



کاتب سرآمد همه مورخان پیشین و پسین افغانستان

متن سخنرانی استاد سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور در سمینار علمی گرامی داشت از
هشتادوششمین سال وفات علامه فیض محمد کاتب هزاره، ۲۱ دلو ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

جلالت‌مآب محمد اشرف غنی رئیس جمهور، اعضای محترم کابینه، اعضای محترم شورای ملی، لوی‌خانووال، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان خانم سیما سمر، استادان و محققان ارجمند، شخصیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی کشور، مهمانان گرامی، خانم‌ها و آقایان! السلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.

در ابتدا حضور گرم شما را در سمینار علمی گرامی داشت از هشتاد و ششمین سال وفات علامه فیض محمد کاتب هزاره، گرامی می‌داریم و به همه شما فرهیختگان و فرهنگ‌دوستان خیرمقدم و خوش‌آمدید عرض می‌کنیم، مخصوصاً به دکتر محمد سرور مولایی و همراهان ایشان که دعوت ما را پذیرفتند و از خارج کشور تشریف آورده‌اند. اتفاقاً امروز مصادف است با ۹ فیروزی پنجصد و هفتاد و ششمین سالروز تولد امیر الکلام، نظام‌الدین امیر علی شیر نوایی که سال گذشته در همین تالار از طرف ریاست جمهوری تجلیل شد. این تصادف نیک را نیز گرامی می‌داریم.

این سمینار دارای دو نشست است که نشست اول در ارگ ریاست جمهوری و به میزبانی جلالت‌مآب رئیس جمهور برگزار شده است، که از این جهت صمیمانه از جناب رئیس جمهور تشکر می‌کنم. ایشان نه تنها میزبان این نشست هست، بلکه یکی از سخنران‌های اصلی این نشست هم هست که از بیانات جامع و علمی ایشان همه ما استفاده خواهیم کرد. جناب رئیس جمهور افغانستان، نه تنها یک شخصیت سیاسی و رئیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان است، بلکه جدا از مقام زعامت سیاسی، یکی از دانشمندان و فرهیختگان علمی ما نیز هست که سابقه درخشان در تدریس، تحقیق و تألیف دارند و مخصوصاً در مورد تاریخ و فرهنگ کشور و دانشمندان و مورخان و ادیبان این سرزمین، مطالعات و آشنایی کافی و دقیق دارند و در این میان با داشتن معلومات کافی درباره مورخ شهیر و نامدار کشور علامه فیض محمد کاتب، به این شخصیت دانشمند سرزمین ما احترام و علاقه خاصی دارند. به همین جهت وقتی طرح برگزاری این سمینار را به ایشان پیشنهاد کردم، نه تنها با گشاده‌رویی استقبال کرد، بلکه گفت در فرصت‌های بعدی باید این سمینار در سطح بین‌المللی و با حضور شخصیت‌های خارجی‌ای که درباره کاتب کار کرده‌اند و یا تحقیقات علمی درباره تاریخ افغانستان انجام داده‌اند برگزار گردد و هم چنین پذیرفت که به مناسبت گرامی داشت از علامه کاتب، از جمعی دیگر از مورخان و محققان کشور نیز تقدیر به عمل آید که در ختم این نشست، برای جمعی از محققان و دانشمندان کشور توسط ایشان تقدیرنامه اعطا خواهد شد. به خاطر همه این‌ها از جناب شما تشکر می‌کنم.

حضار گرامی! مهمانان عالیقدر!

یکی از دلایل و انگیزه‌های ما در برگزاری این سمینار، این است که تاریخ و فرهنگ هر کشور، نماد وحدت ملی مردمان آن کشور است و از این جهت علامه کاتب یکی از برانزده‌ترین چهره‌هایی است که در تدوین، حفظ و احیای این نماد وحدت ما یعنی تاریخ افغانستان سهم اول را داشته است. برای توضیح باید گفت که درباره ملت‌سازی تئوری‌های

متعددی مطرح شده، اما آنچه امروزه اکثر دانشمندان بر آن تأکید دارند این است که ملت به عنوان یک پدیده سیاسی و حقوقی، محصول یک روحیه مشترکی است که ناشی از تاریخ و فرهنگ مشترک، دولت و سرزمین مشترک و سود و زیان مشترک و غم‌ها و شادی‌های مشترک است و در یک روند طولانی زمانی و در یک بستر مشترک تاریخی ایجاد می‌شود. بر این اساس، هویت شهروندی هم در حقیقت یک هویت مشترک ملی است که بر اساس اشتراکات معنوی، فرهنگی و تاریخی پدید آمده و در درازنای زمان، وابستگی و تعلق یک فرد را به یک کشور و یا یک دولت پدید آورده است.

از این رو، باید گفت که زبان یا قومیت و نژاد به تنهایی در تعیین هویت کلان ملی نقش ندارد. واقعیت‌های عینی هم نشان می‌دهد که امروز ملت‌های زیادی در دنیا وجود دارند که دارای ناهمگونی‌های اتنیکی و زبانی هستند، اما یک ملت را تشکیل می‌دهند مثل کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا، هندوستان و غیره و برعکس هم مردمان زیادی وجود دارند که زبان و قومیت مشترک دارند، اما یک ملت محسوب نمی‌شوند مثل اقوام عرب‌زبان که امروز به صورت ملت‌های متعدد به سر می‌برند و یا همه کسانی که به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند، اما هویت‌های ملی متفاوت دارند.

بنابراین، عنصر تاریخ مشترک یکی از عناصر برجسته در ملت‌سازی است و به همین جهت، مورخان و محققانی که دست به تدوین و تحلیل تاریخ کشورهای خود می‌زنند، نیز نقش برجسته در ایجاد روحیه ملی و تحکیم وحدت ملی دارند و معمولاً مورخان و تاریخ‌نویسان در همه کشورها به طور غالب افراد ملی‌گرا هستند و در تحریک احساسات ملی و ترویج افتخارات و حماسه‌های ملی نقش برجسته دارند که در این میان کاتب نیز چنین است. کاتب در وطن‌دوستی و وفاداری به مردم و ملت و کشورش و احترام و پاسداری

از روحیه ملی و وحدت ملی، نسبت به همگان پیشگام و پیشقدم بوده است.

علاوه بر آنچه گفته شد، علامه کاتب از امتیازات خاص دیگری نیز برخوردار است که به برخی از آن‌ها فهرست‌وار اشاره می‌کنم و جزئیات و تفصیل این ویژگی‌ها را امروز از زبان شما سروران گرامی در این سمینار می‌شنویم:

۱. علامه کاتب پدر تاریخ‌نگاری معاصر افغانستان است که هم از نگاه حجم کار و هم از نگاه کیفیت روایت و شیوه تدوین و عمق و غنا و موثق و معتبر بودن محتوا، سرآمد همه مورخان پیشین و پسین افغانستان به شمار می‌رود و همه کسانی که در دوره معاصر درباره تاریخ افغانستان قلم زده‌اند، مدیون کاتب بوده و بر دست‌رخوان پربرکت او نشسته‌اند و از خوان پر نعمت او بهره برده‌اند. در حقیقت اگر علامه کاتب و کار سترگ تاریخ‌نگاری او نمی‌بود، ما اکنون از یک بخشی از گنجینه عظیم فرهنگ

علامه کاتب پدر تاریخ‌نگاری معاصر افغانستان است که هم از نگاه حجم کار و هم از نگاه کیفیت روایت و شیوه تدوین و عمق و غنا و موثق و معتبر بودن محتوا، سرآمد همه مورخان پیشین و پسین افغانستان به شمار می‌رود و همه کسانی که در دوره معاصر درباره تاریخ افغانستان قلم زده‌اند، مدیون کاتب بوده و بر دست‌رخوان پربرکت او نشسته‌اند و از خوان پر نعمت او بهره برده‌اند.

جسارت و شجاعت در بیان حقایق، نگرش انتقادی و نقد اوضاع عمومی و اجتماعی کشور، یکی دیگر از خصوصیات علامه کاتب است. با این که کاتب به عنوان مورخ دربار شهرت یافته و آثار تاریخی خود را هم واقعا به سفارش دربار و زیر نظارت دقیق امیر و مأمورین دربار انجام داده است، اما کسانی که امروز در آثار کاتب دقت می کنند درمی یابند که کاتب در عین درباری بودن، از شجاعت بی نظیر و از دقت و مهارت خاصی برخوردار بوده.

و تاریخ معاصر خود بی خبر بودیم. تاریخ در حقیقت یک مجموعه ای از وقایع و واقعیت های تلخ و شیرین و سیاه و سفید است و ما نباید همه چیز را سیاه سیاه و یا سفید سفید ببینیم. ما باید تاریخ خود را با سیاه و سفید آن بخوانیم و بپذیریم و از آن بیاموزیم و عبرت بگیریم و کار بزرگی که کاتب کرده است این است که این مجموعه را با امانت داری کامل و با تلخی ها و شیرینی ها و سیاه و سفیدش در اختیار ما گذاشته است. علامه کاتب از سن جوانی یعنی در حدود ۳۰ سالگی تاریخ نگاری و همکاری با نهادهای علمی و فرهنگی دولتی را آغاز کرد و برای مدت نزدیک به چهل سال تا زمان وفاتش در سال ۱۳۰۹ شمسی به صورت مداوم و پیوسته در عرصه های مختلف تاریخ، فلسفه، فقه و سایر رشته ها قلم زد و انبوهی از آثار علمی بی مانند مخصوصا در زمینه تاریخ را تولید کرد.

۲. ادبیات نو در تاریخ نگاری و احیای زبان فارسی دری در تاریخ نویسی افغانستان نیز از ابتکارات علامه کاتب است. آثار کاتب

جدا از این که شامل رویدادهای تاریخی کشور و یک روایت مستند و دقیق از تاریخ افغانستان است، خود این آثار در ذات خود یک شاهکار ادبی به شمار می روند که اهالی ادب و ادبیات ما می توانند نغزکاری ها، ژرف بینی ها و ظرافت های ادبی و شیوه نویسنده کاتب را مخصوصا در سراج التواریخ جستجو کنند و از آن بهره بگیرند و به ادب دوستان کشور معرفی کنند.

۳. جسارت و شجاعت در بیان حقایق، نگرش انتقادی و نقد اوضاع عمومی و اجتماعی کشور، یکی دیگر از خصوصیات علامه کاتب است. با این که کاتب به عنوان مورخ دربار شهرت یافته و آثار تاریخی خود را هم واقعا به سفارش دربار و زیر نظارت دقیق امیر و مأمورین دربار انجام داده است، اما کسانی که امروز در آثار کاتب دقت می کنند درمی یابند که کاتب در عین درباری بودن، از شجاعت بی نظیر و از دقت و مهارت

خاصی برخوردار بوده و هیچ گاه حقیقت را قربانی مصلحت نکرده و همواره منافع مردم را بر منافع حکومت های وقت و بر منافع شخصی خود ترجیح داده و واقعیت های تلخ و دردناک حکومت ها را با همه توان نقد کرده و مظلومیت ها، حق کشی ها و بی عدالتی ها را با قلم شیوا و بیان رسا به تحریر کشیده است.

۴. جزئی نگری توأم با جامع نگری و ترسیم دقیق و همه جانبه و مستند رویدادها از دیگر ویژگی های کاتب است.

جناب رئیس جمهور! از آن جا که می دانیم شما اهل مطالعه و دقت هستید و در مطالعه یک اثر به این توجه دارید که نویسنده یا خالق آن اثر تا چه حد به جزئیات یک موضوع پرداخته و یا تا چه حد همه جوانب و ابعاد آن را شکافته است، از این جهت شما و شخصیت هایی مثل شما به خوبی و بهتر از هر کسی می دانید که آثار کاتب مخصوصا سراج التواریخ

در این رابطه یک شاهکار بی نظیر است. کاتب گاهی یک رویداد را آن چنان با دقت و از همه جوانب آن شرح می دهد که خیال می کنی داری یک فیلم مستند را درباره آن موضوع تماشا می کنی. به عنوان مثال آخرین رویدادی که در آخرین برگ های جلد چهارم سراج التواریخ ثبت شده مربوط به رویداد کشته شدن امیر حبیب الله خان در «کله گوش» لغمان است که خود کاتب هم در این سفر با امیر حضور داشته و مصروف نوشتن جلد سوم سراج و از نزدیک ناظر و شاهد رویداد بوده و در طی بیش از ۸۰ صفحه این رویداد را آن چنان با کنجکاو و با تمام جزئیات شرح می دهد که واقعا خواننده را به حیرت و امی دارد.

۵. کاتب در کنار مورخ بودن، یک فیلسوف تاریخ نیز هست که در ضمن تدوین و بیان رویدادها، به تشریح فلسفه تاریخ نیز پرداخته و به تاسی از مورخ شهیر ابن خلدون در کتاب معروفش، کاتب نیز در جای جای سراج التواریخ و سایر آثارش، سیاست مدن و انواع نظام های سیاسی و ساختار آن ها و همچنین دلایل پیروزی ها و شکست های ملت ها و جوامع و عوامل رشد و ترقی و یا انحطاط و عقب ماندگی آن ها و شکل گیری تمدن، فرهنگ، صنعت، زراعت، تجارت و سایر پدیده های اجتماعی را نیز به تفصیل، تبیین کرده است.

۶. یکی دیگر از ویژگی های علامه کاتب، نوع تفکر سیاسی ایشان است. نوگرایی، عدالت طلبی و آزادی خواهی شاخصه اصلی تفکر سیاسی کاتب است. کاتب در عصر خود یک عنصر اصلاح طلب بود و یا به تعبیر دکتر مولایی در مقدمه تمه جلد سوم سراج التواریخ، یک دیگر اندیش محسوب می شد. یعنی کاتب با این که در سایه یک نظام سیاسی خاص با افکار و سنت های خاص زندگی می کرد و در عمل وابسته به یک اداره و حاکمیت دولتی بود، اما خود از نگاه فکری و اهداف سیاسی کاملا اندیشه متفاوت با اندیشه دربار داشت و گفته شده که کاتب از اعضای مشروطه خواهان بوده و به همین جهت هم در کنار سایر مشروطه خواهان و دیگر اندیشان برای مدتی زندانی شد. تحلیل کامل اندیشه سیاسی کاتب و ویژگی ها و شاخصه های آن فرصت بیشتری می طلبد که باید محققان و نویسندگان ما به آن بپردازند.

۷. سرانجام باید گفت آثار کاتب مخصوصا سراج التواریخ او، واقعا سراج پر نور و چراغ روشن و پر فروغ تاریخ این سرزمین است که رویدادهای این کشور از روز تأسیس به زعامت احمدشاه درانی تا آغاز دوره نادر خان (از ۱۷۴۷ الی ۱۹۲۹=۱۳۰۸ شمسی) یعنی نزدیک به دو قرن و مخصوصا چهل سال سلطنت امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان را با دقت و جامعیت بی نظیری، که در هیچ منبع دیگر دیده نمی شود، به تصویر کشیده است. سراج التواریخ روایت تلخ و شیرین تاریخ وطن است؛ روایت افتخارات، حماسه ها و فداکاری ها از یک طرف، و حکایت ستم ها، نامهربانی ها، نانسانی ها و بی عدالتی ها از طرف دیگر؛ حدیث صداقت ها، پاکي ها و وفاداری ها از یک سو و داستان خیانت ها، نیرنگ و فریب ها از سوی دیگر.

حضار گرامی! هموطنان عزیز!

با توجه به جایگاه شایسته و رفیع کاتب در احیای فرهنگ، تاریخ و تمدن این کشور، امروز بر همه ما لازم است که از علامه کاتب به طور



شاید بهترین تقدیر کنیم. تقدیر از کاتب به معنای تمجید و ستایش لفظی او نیست. تقدیر واقعی از کاتب آن است که اندیشه‌های کاتب در عرصه‌ها و موضوعات مختلف و اکاوی و تجزیه و تحلیل شود و از طریق برگزاری سمینارها و نشست‌های علمی و پژوهشی، زوایای پنهان افکار کاتب بازمینی و بازشناسی گردد و آثار ماندگار او جمع‌آوری شده و از نو با شیوه مدرن صنعت چاپ، به نشر سپرده شود. در این رابطه مسئولیت اصلی متوجه نهادهای علمی و فرهنگی ما مثل وزارت‌های تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ و ریاست آکادمی علوم و مخصوصاً دانشمندان و نسل جوان تحصیل یافته و قلم‌به‌دست معاصر ما است که هم از کاتب تجلیل کنند و هم با حرکت در مسیر پژوهش و آموزش، نهضت علمی و فرهنگی کشور را رونق ببخشند.

این جانب به سهم خود و با همکاری همکاران فرهنگی خود در «بنیاد اندیشه» و سایر پژوهشگران و اندیشمندان علاقمند به فرهنگ و تاریخ کشور، اعلام می‌دارم که وظیفه و مسئولیت بزرگ ملی و انسانی خود می‌دانیم که «کاتب‌شناسی» و «سراج‌پژوهی» را به عنوان یک پروژه مهم علمی و فرهنگی ارزشمند و پر دامنه، در اولویت برنامه‌های فرهنگی قرار داده و در این عرصه از هیچ نوع تلاش، کمک و همکاری دریغ نکنیم.

در این رابطه لازم می‌بینم با استفاده از فرصت، از نشر آثار کاتب مخصوصاً سراج‌التواریخ در سال‌های پسین و از کسانی که در این عرصه سهم داشتند یاد کنم.

فکر اصلی بازایی و بازچاپ آثار علامه کاتب و آغاز چاپ‌های مجدد سراج‌التواریخ در سال‌های اخیر، با همت و تلاش‌های مداوم و پیوسته

شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری صورت گرفت. استاد مزاری که در این ایام در آستانه بیست و دومین سالگرد شهادت ایشان قرار داریم، با این که یک سیاستمدار و یک شخصیت جهادی و بنیان‌گذار یک جنبش سیاسی و رهبر یک حزب سیاسی بود، اما علاقه خاصی به امور فرهنگی، آموزشی و علمی داشت و بیشترین تلاش را در عرصه فعالیت‌های فرهنگی انجام داد که نتایج و آثار پر بار نیز به جا گذاشت. یکی از تلاش‌های ایشان بازایی آثار نایاب کاتب و چاپ مجدد این آثار بود. قسمت‌های عمده مجلدات سراج‌التواریخ را که به طور کلی نایاب بود، ایشان در دوران مهاجرت در اختیار فرهنگیان و ناشران قرار داد تا با تصحیح و تنظیم مجدد نشر شود. در اثر این تلاش‌ها و تشویق‌ها چاپ جدید جلد‌های اول و دوم سراج‌التواریخ برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ توسط مؤسسه مطالعات و انتشارات بلخ در تهران، با تصحیح و تنظیم این جانب و دو تن دیگر از دوستان به نشر رسید و در زمستان ۱۳۷۰ جلد سوم سراج‌التواریخ در دو مجلد به همت آقای یوسف امین در قم ایران به چاپ رسید و سپس جلد‌های اول، دوم و سوم مجدداً توسط انتشارات عرفان به همت برادر عزیز ما آقای ابراهیم شریعتی در تهران نشر شد که تا کنون چندین بار تجدید چاپ شده است. هم‌چنین بخشی از دست‌نویس‌های دیگر کاتب نیز توسط استاد شهید مزاری جمع‌آوری شد که یک قسمت آن باز هم به نام سراج‌التواریخ مشتمل بر وقایع دارالسلطنه کابل، سمت ترکستان و هزاره‌جات توسط انتشارات حبل‌الله، در زمستان ۱۳۷۲ در ایران به چاپ رسید.

اما داستان جلد چهارم سراج‌التواریخ که قبلاً چاپ نشده و نسخه

سمینار علمی گرامی داشت هشتاد و ششمین سالگرد وفات

علامه فیض محمد کاتب هزاره

دعای فیض محمد کاتب هزاره
دشبند

commemoration of the death of
Abdullah Khan Khatib



در خارج کشور به سر می‌برند ولی در سالیان گذشته با استفاده از آثار کاتب، تحقیقات ارزشمندی در تاریخ کشور انجام داده‌اند. امروز در ارگ ریاست جمهوری و از طرف دولت افغانستان، از تلاش فرهنگی و زحمات همه این عزیزان و بزرگوران تقدیر می‌کنیم.

حضار گرامی! دانشمندان عالیقدر!

در پایان باید بیفزاییم که هرچند علامه فیض محمد کاتب هزاره به حیث پدر تاریخ‌نگاری معاصر افغانستان، نقش نخست و برانزده را به خود اختصاص داده است، اما در کنار ایشان جمعی دیگری از نخبگان و پژوهشگران ما هم بوده‌اند که با تحمل مشقت‌ها و دشواری‌های فراوان و با دقت و زحمات زیاد در عرصه تدوین و تحلیل تاریخ کشور ما همت گماشتند و از خود آثار جاودانه‌ای را به یادگار گذاشتند که به مناسبت بزرگداشت از کاتب، از آنان نیز یاد کرده و خاطره جاویدانه آنان را گرامی می‌داریم، همچون: میر غلام محمد غبار با کتاب «گرانسنگ‌اش»؛ «افغانستان در مسیر تاریخ»، میر محمد صدیق فرهنگ با کتاب «ارزشمندش»؛ «افغانستان در پنج قرن اخیر»، احمد علی کهزاد با آثار علمی فراوانش در تاریخ و باستان‌شناسی کشور؛ عبدالحی حبیبی با آثار و زینش در زمینه سیاست و تاریخ افغانستان، مرحوم سرمحقق حسین نایل با تحقیقات ژرفش در فرهنگ و تاریخ افغانستان و اخیراً مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر با تالیفات فراوانش در زمینه تاریخ سیاسی افغانستان.

به روان پاک همه این بزرگ‌مردان علم و اندیشه و فرهنگ و تاریخ درود می‌فرستم و یک‌بار دیگر به همه شما اشتراک کنندگان این سمینار خوش آمدید می‌گویم و آرزو مندم این سمینار بتواند یک ارج‌گذاری و تکریم اندکی باشد از مقام شامخ فرهنگ و تاریخ کشور و مورخان و پژوهشگران این سرزمین؛ مخصوصاً مرحوم شادروان علامه فیض محمد کاتب، بی‌هقی دوم و پدر تاریخ‌نگاری معاصر افغانستان.

تشکر از توجه شما

السلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته

خطی آن نیز مفقود بود، مربوط به سال‌های اخیر و دوره حکومت رئیس جمهور کرزی است. در سال ۱۳۸۶ نسخه خطی تمهه جلد سوم و متن کامل جلد چهارم، توسط برادر عزیز ما آقای وسیم امیری پیدا شد. از طرف رئیس جمهور کرزی، این جانب و استاد حبیب‌الله رفیع و وزیر وقت اطلاعات و فرهنگ آقای خرم، به عنوان یک هیأت توظیف شدید که هم از صحت این نسخه اطمینان پیدا کنیم و هم این نسخه را برای آرشیف ملی افغانستان خریداری نماییم. در پی چند جلسه با آقای امیری قرار شد اصل نسخه خطی برای آرشیف ملی تسلیم داده شود و امتیاز چاپ آن را هم برای آقای امیری اعطا کنیم که در اثر این توافق، خداوند توفیق داد که این جلد نایاب سراج‌التواریخ از نابودی نجات یابد و به صورت بسیار زیبا توسط انتشارات امیری چاپ شود که تا کنون طی مدت کوتاهی دو بار در کابل به زیور چاپ آراسته شده است. گفتنی است که در سال‌های اخیر برخی دیگر از آثار دیگر کاتب مثل «تحفة الحبیب»، «تذکره الانقلاب»، «تاریخ حکمای متقدمین» و «نژادنامه افغان» توسط ناشران دیگر مثل انتشارات دانشگاه ابن سینا و انتشارات بنیاد اندیشه نشر شده و کار روی برخی دیگر از این آثار هم ادامه دارد.

در این جا به جا می‌دانم از همه ناشران آثار علامه کاتب در داخل و خارج کشور مخصوصاً آقای محمد ابراهیم شریعتی رئیس انتشارات عرفان و آقای وسیم امیری رئیس انتشارات امیری و هم‌چنین از همکاران خود در دانشگاه ابن سینا و بنیاد علمی-پژوهشی اندیشه صمیمانه تشکر و تقدیر نمایم. هم‌چنین باید نام ببریم از برخی از دانشمندان خارجی که در مورد آثار کاتب کارهای سترگ و قابل قدری کرده‌اند همچون «مک چیزنی» در امریکا که آثار کاتب از جمله سراج‌التواریخ را به انگلیسی ترجمه کرده است و جمعی از دانشمندان روسی که در گذشته برخی از آثار کاتب را به روسی ترجمه کردند و هم‌چنین دوستان فرهیخته ما جناب دکتر محمد سرور مولایی و استاد علی امیری که در تصحیح و تنظیم برخی از آثار کاتب سهم بسیار ارزشمند داشتند و هم‌چنین همکاران عزیز ما استاد حاج کاظم یزدانی و استاد بصیر احمد دولت‌آبادی که اکنون